ربابه بهتوئی، مادر شهید محسن جوی:

عید که بی‌تو صفا ندارد

۱۸ سال بیشتر نداشت، نزدیکی‌های عید نوروز بود. بعد از چند روز مرخصی می‌خواست دوباره به جبهه برگردد، آن شب به بهانه‌ی خوردن شام همه دور هم جمع شدیم، چون صبح زود فردایش عازم بود.

آن شب احساس می‌کردم، محسن، محسن همیشگی نیست. حال و هوای خاصی داشت و من هم تا صبح، دور رختخوابش می‌گشتم، درحالی که خیلی نگرانش بودم.

جالب است که انگار او هم خواب نبود و خودش را به خواب زده بود و هر دو یه جورایی تا صبح با هم نجوا می‌کردیم.

صبح که از رختخواب کنده شد، ساکش را بسته بودم. با ساکش آمد جلوی در خانه و با او خداحافظی کردم؛ خداحافظی‌ای که با همیشه متفاوت بود؛ خداحافظی که دلم نمی‌خواست هیچوقت اتفاق بیفتد، اما افتاد و او خیلی آرام و مظلومانه رفت.

چند روزی از رفتنش نگذشته بود که همسایه مان در را زد، سراسیمه در را باز کردم، گفت: محسن پشت خط است، نفهمیدم چطوری خودم را به گوشی تلفن رساندم. صدایش را که از پشت تلفن شنیدم انگار آرامش عجیبی پیدا کردم.

گفت: مادر من دیگر عید نمی‌آیم و نامه هم نمی‌فرستم.

گفتم: مادر مگر از ما ناراحتی، عید که بدون تو صفا ندارد.

گفت: نه مادر، برایمان دعا کن، ما هم اینجا با پوکه‌ها هفت‌سین درست کرده‌ایم و به یاد شما هم هستیم. این را که گفت دنیا دور سرم چرخید و به دلم افتاد که دیگر محسن را نمی‌بینم.

از تلفنی که زد چند روزی نگذشته بود که در خواب دیدم شهید شده، از آن روز به بعد من دیگر نمی‌فهمیدم که چه می‌کنم و کجایم.

خواب عجیبی بود و مرا تا ۴۰ روز با خودش مشغول کرده بود و توان هیچ‌کاری را نداشتم. درست چهل روز از آن شب گذشته بود که خبر شهادت محسنم را آوردند.

شهید محسن جوی، پنجم دی ماه سال ۱۳۴۵ در شهر قزوین به دنیا آمد. به عنوان سرباز ارتش در جبهه حضور یافت. سی و یکم تیر ماه سال ۱۳۶۷، در میمک توسط نیروهای عراقی بر اثر اصابت گلوله تانک به شهادت رسید.

***حسن شکیب‌زاده**

صغری حسین پور حسین آبادی، مادر شهید حسین صفری:

او که رفت، عیدمان عید همیشگی نبود

حسین ۲۱ سالش بود و ۱۳ ماهی بود که به جبهه می‌رفت. برای آخرین بار ۱۲ روز به مرخصی آمده بود.

نزدیکی‌های عید نوروز بود که بایستی برمی‌گشت. یادم هست که همیشه وقتی می‌خواست اعزام بشه، می‌گفت: برای راه انداختن من تا سر کوچه نیایید، اما این دفعه خودش گفت: مگر نمی‌خواهید مرا راه بیاندازید؟

آن روز ما تا سر کوچه دنبالش رفتیم. برگشت و گفت: مرا حلال و برایم دعا کنید و به هنگام خداحافظی هرازگاهی بر می‌گشت و پشت سرش را نگاه می‌کرد.

حسین که رفت، دل مرا هم با خودش برد. خیلی ناراحت بودم، احساس می‌کردم این رفتنش با همه‌ی رفتن‌های قبلی فرق می‌کند، آن روز خیلی گریه کردم و به دلم افتاده بود که حسین دیگر بر نمی‌گردد.

او رفت و خیلی زود عید فرا رسید، اما دیگر عیدمان عید همیشگی نبود. اصلا دل و دماغ دیدو بازدیدهای مرسوم نوروزی هر سال را نداشتم و با رویاهایم فقط ۱۲ روز به سر کردم، اما درست روز دوازدهم بود که خبر شهادتش را آوردند.

شهید حسین صفری‌حسین‌آبادی، دوازدهم خردادماه سال ۱۳۴۲ در شهر قزوین به دنیا آمد. کارگر کارخانه بود. به عنوان سرباز ارتش در جبهه حضور یافت. بیست و ششم فروردین ۱۳۶۲، در ابوقریب توسط نیروهای عراقی بر اثر اصابت گلوله به صورت، شهید شد.

***حسن شکیب‌زاده**

فاطمه کبیری:

ماجرای یوسف گمشده ما

***سمیه کریمی**

سال ۱۳۶۵ بود که با پسر عمویم نامزد شدیم، آن موقع جنگ بود و روح‌الله در جبهه، ۱۰ روزی مانده بود که سربازی‌اش تمام شود و به مرخصی بیاید، ولی ما هرچه منتظرش شدیم نیامد. خیلی نگرانش شدیم. عمویم به همراه بابا به قصر شیرین رفتند تا شاید خبری از او بگیرند.

***همرزمانش شهید شده بودند و هیچ خبری از روح‌الله نبود. معلوم نبود که شهید شده یا اسیر است؟ دو سالی عمویم و پدرم خودشان را به هر آب و آتشی زدند تا خبری از روح‌الله بگیرند. از سردخانه‌های قصر شیرین گرفته تا هر منطقه‌ای که فکرش را بکنید**

همرزمانش شهید شده بودند و هیچ خبری از روح‌الله نبود. معلوم نبود که شهید شده یا اسیر است؟ دو سالی عمویم و پدرم خودشان را به هر آب و آتشی زدند تا خبری از روح‌الله بگیرند. از سردخانه‌های قصر شیرین گرفته تا هر منطقه‌ای که فکرش را بکنید، ولی از او هیچ خبری نبود. نه خبر شهادت و نه اسارت.

روزهای سختی بود، بخصوص برای من که در این سالها، برایم خواستگارهای مختلف می‌آمد و می‌گفتند او که تا حالا برنگشته، حتماً شهید شده است. ولی من با آن سن کمی که داشتم، امید برگشتنش را داشتم و به خاطر همین هم منتظرش ماندم.

سالها گذشت تا اینکه روزی اعلام کردند، قرار است اسرا آزاد شوند و اسم‌های آنها را در رادیو می‌خوانند. البته ما دیگر امیدی هم نداشتیم، ولی هر روز کارمان شده بود پای رادیو نشستن و اینکه شاید اسم روح‌الله را هم بخوانند.

ولی روزها می‌گذشت و ما هرچه به رادیو گوش می‌کردیم خبری از اسم روح‌الله نبود و عمو و پدرم هم عکس روح‌الله را به هر اسیری که آزاد شده بود نشان می‌دادند و یا هر روز می‌رفتند هلال احمر که شاید از روح‌الله خبری پیدا کنند.

آزادی اسرا که شروع شد تقریباً تا شهریور ماه ادامه داشت و آخرین گروه اسرا هم داشتند می‌آمدندکه یک روز عمو و بابا به اتفاق هم به هلال احمر رفته بودند و مسئول آنجا لیستی را نشان داده و گفته بود: این آخرین لیست اسراست، نگاه کنید شاید اسم اسیر شما هم باشد.

عمو و بابا پس از زیرو رو کردن لیست، اسم روح‌الله را پیدا نکرده بودند و آن روز با ناامیدی تمام و ناراحتی از هلال احمر بیرون آمده، حتی به خانه هم برنگشته بودند.

بعد از اینکه عمو و بابا از هلال احمر بیرون می‌آیند یکی از آشنایان بدون اینکه از رفتن بابایم به هلال احمر خبر داشته باشد به آنجا می‌رود و در همان لحظه لیست نهایی را هم می‌آورند. او هم وقتی لیست را با دقت تمام نگاه می‌کند اسم روح‌الله را می‌بیند و سراسیمه خودش را به روستا می‌رساند تا خبر آزادی روح‌الله را بدهد.

یادم هست آن روزها ما مشغول انگور چینی بودیم و من هم خیلی خسته بودم، تازه از خواب بیدار شده بودم و مشغول انجام کارهای خانه شدم، هیچکس توی خانه نبود، پدرم که هنوز از قزوین نیامده بود و مادرم که خانه همسایه بود و بچه‌ها هم به خانه مادر بزرگم رفته بودند.

من حال عجیبی داشتم، دستم به کار نمی‌رفت، نمی‌دانم چرا قلبم تند تند میزد. تا اینکه زنگ خانه به صدا در آمد، با همان حال و اضطرابی که داشتم، در خانه را باز کردم، جوانی پشت در بود، او را نشناختم. به من گفت: پدر و مادرت خانه هستند؟

گفتم: نه.

گفت: از عمو و زن عمویت خبر نداری؟

گفتم: نه.

گفت: آنها هم در خانه نیستند؟

دیگر حوصله‌ام از سؤال‌های او به سر آمده بود که گفت: من هلال احمر بودم و در لیست آزاده‌ها، اسم پسر عموی شما را دیدم. ایشان از اسارت برگشته‌اند.

من که هاج و واج مانده بودم،همان‌طور به دهان آن جوان چشم دوخته و چند بار سؤال کردم: چه شده؟

و او هم جوابش را تکرار می‌کرد.

آن روز اصلا باورم نمی‌شد که آن همه انتظار و حرف و حدیث‌ها تمام شده است و روح‌الله برگشته، حسابی شوکه شده بودم. نمیدانستم چه کار کنم، چادرم را سر کردم و به طرف خانه

***روزها می‌گذشت و ما هرچه به رادیو گوش می‌کردیم خبری از اسم روح‌الله نبود و عمو و پدرم هم عکس روح‌الله را به هر اسیری که آزاد شده بود نشان می‌دادند و یا هر روز می‌رفتند هلال احمر که شاید از روح‌الله خبری پیدا کنند.**

عمویم راه افتادم. در راه زن عمویم، که از همان بچگی به او مامان می‌گفتم را دیدم. به من گفت: چی شده چرا اینقدر هولی؟

گفتم مامان روح‌الله اسیر بوده و آزاد شده.

او که تحمل شنیدن این حرف را نداشت، از حال رفت و کم کم اهالی روستا جمع شدند و مقدمات استقبال از روح‌الله را فراهم کردند و بعد ازظهر همان روز به طور رسمی آزادی روح‌الله را خبر دادند و یوسف گمشده ما پس از سالها بی‌خبری برگشت و ما حدود یک سال بعد، ازدواج کردیم.

به نقل از: فاطمه کبیری، همسر آزاده روح‌الله کبیری

آگهی تسلیم سند مالکیت پلاک ۱/۸۰۷ بخش ۱۲ تهران

خانم اعظم ذره‌ء نسبت به سهم‌الارث خود از پلاک ثبتی ۸۰۷ فرعی از ۱ اصلی تقاضای سند مالکیت نموده است. که وضعیت آن بدین شرح می‌باشد: سند مالکیت ششدانگ یک قطعه زمین به پلاک ۸۰۷ فرعی از ۱ اصلی مزبور واقع در بخش ۱۲ تهران که ذیل شماره ثبت ۹۷۴۴ صفحه ۴۵۰ دفتر املاک ۵۸ شماره چاپی و سریال سند مالکیت ۱۸۲۵۱۲ مساحت ۲۰۰ مترمربع به نام ابوالحسن ذره‌ء ثبت و صادر گردیده است، طبق سند شماره ۱۴۹۲۰ دفترخانه ۹ شهرری در رهن بانک ملی است. که نامبرده به موجب دادنامه حصر وراثت شماره ۱۴۰۱۹۱۳۹۰۰۰۴۶۸۳۹۸۶ مورخ ۱۴۰۱/۴/۱۸ مجتمع شماره ۱۰ شورای حل اختلاف تهران فوت نموده و ورثه وی عبارتند از: غلامحسین، علیرضا پسران متوفی و اعظم، فاطمه، صغری، کبری و زهره دختران متوفی شهرت همگی ذره که متقاضی فوق به موجب تقاضای شماره ۱۰۷۸۰۳۹۵۰۷ مورخ ۱۴۰۱/۱۱/۳ درخواست صدور سند مالکیت نسبت به سهم‌الارث خود را نموده و اعلام داشته که اصل سند مالکیت مورث به شماره چاپی ۳۱۴۹۸۸ نزد احد از شرکا می‌باشد که از ارائه آن خودداری می‌نماید. لذا به استناد تبصره سه از ماده ۱۲۰ آئین‌نامه قانون ثبت این اداره طی اخطاریه حسن‌نیت شماره ۱۴۰۱۸۵۶۰۱۰۷۸۰۴۴۱۱۸ در تاریخ ۱۴۰۱/۱۲/۷ به مخاطب مذکور اعلام گردید که اصل سند مالکیت مرقوم را جهت اقدام لازم قانونی به این اداره ارائه نماید و لیکن در مهلت مقرر اصل سند مالکیت تحویل نگردیده و نامبرده از چنین اقدامی خودداری نموده است. لذا با انقضاء مهلت ۱۰ روز مقرر قانونی مراتب فقط یک بار در یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار (همین روزنامه) منتشر می‌شود تا چنانچه دارنده سند مالکیت پلاک مرقوم بدون مجوز قانونی حداکثر ظرف مهلت ۱۰ روز پس از انتشار این آگهی سند مالکیت را به این اداره تسلیم ننماید سند مالکیت سهم‌الارث متقاضیان بالا صادر و به ایشان تسلیم و متعاقباً نیز سایر اقدامات لازم را مطابق ماده قانونی فوق‌الذکر به عمل خواهد آمد. م الف ۱۰۰۱۰

خداداد بشیری ـ سرپرست واحد ثبتی حوزه ثبت ملک یافت‌آباد تهران
از طرف سارا صالحی

ابلاغیه رای کمیته بدوی تطبیق و تشخیص مشاغل سخت و زیان آور استان سمنان به شرکت یا کارگاه

متن ابلاغیه

شرکت خجسته لاستیک
باسلام و احترام
به اطلاع می رساند باعنایت به درخواست بررسی و احراز اشتغال در مشاغل سخت و زیان آور آقای احمد سند گل در جلسه ۱۴۰۱/۱۰/۱۳ کمیته بدوی تطبیق و تشخیص مشاغل سخت و زیان آور استان مطرح و تصمیمات کمیته طبق جدول ذیل اعلام می گردد . لذا باستناد ماده ۳ آئین نامه اجرایی بند ۵ جزء ب ماده واحده قانون اصلاح تبصره ۲ الحاقی ماده ۷۶ قانون تامین اجتماعی کارفرما مکلف است ظرف ۲ سال از تاریخ ابلاغ تصمیم کمیته نسبت به ایمن سازی محیط کار جهت مشاغل تایید شده گروه الف طبق جدول ذیل اقدام و نتیجه را کتبا به کمیته فوق اعلام نمایید . (درجدول ذیل گزینه تایید به مفهوم سخت و زیان آور بودن شغل است) . رای صادره حداکثر ظرف مدت ۱۵ روز اداری پس از ابلاغ درقالب فرم شماره (۴) قابل تجدید نظر خواهی در کمیته تجدید نظر این استان می باشد و درغیر اینصورت رای صادره برای اشخاص داخل کشور ۳ ماه و برای افراد مقیم خارج از کشور شش ماه از تاریخ ابلاغ رای ، مطابق قانون آئین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی ، در دیوان عدالت اداری قابل اعتراض است .

ردیف	عنوان شغلی	نظر کمیته		توضیحات
		تایید	عدم تایید	
	کارگر ساده	*		با توجه به شرح وظایف

بهرام جمشیدی - رئیس کمیته بدوی تطبیق و تشخیص مشاغل سخت و زیان آور
اداره کل تعاون کار و رفاه اجتماعی استان سمنان

«اصلاحیه آگهی»

موضوع:
۱ - اصلاحیه بند ۲ آگهی شماره ۰۲/۱۷۸ مورخ ۱۴۰۲/۰۱/۱۴، با موضوع مزایده عمومی فروش آهن‌آلات اسقاطی شهرداری چمران:
متن اصلاحیه: زمان دریافت اسناد از روز شنبه مورخ ۱۴۰۲/۰۱/۱۹ ساعت ۸ صبح لغایت روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۲/۰۱/۲۸ ساعت ۱۳ بعدازظهر می‌باشد.
۲ - سایر مفاد آگهی فوق به قوه خود باقی و لازم‌الاجرا می‌باشد.

حسین قمری ـ شهردار چمران

«اصلاحیه آگهی»

موضوع:
۱ - اصلاحیه بند ۲ آگهی شماره ۰۲/۱۸۰ مورخ ۱۴۰۲/۰۱/۱۴ با موضوع مزایده عمومی فروش ماشین‌آلات مرحله اول (حضوری):
متن اصلاحیه: زمان دریافت اسناد از روز شنبه مورخ ۱۴۰۲/۰۱/۱۹ ساعت ۸ صبح لغایت روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۲/۰۱/۲۸ ساعت ۱۳ بعدازظهر می‌باشد.
۲ - سایر مفاد آگهی فوق به قوه خود باقی و لازم‌الاجرا می‌باشد.

حسین قمری ـ شهردار چمران

آگهی دعوت از بستانکاران شرکت پل نیک پندار در حال تصفیه (سهامی خاص) بشماره ثبت ۱۰۰۵۴۵ و شناسه ملی ۱۰۱۰۱۴۴۵۱۹۸ (نوبت دوم)

در اجرای ماده ۲۲۵ اصلاحیه قانون تجارت از کلیه بستانکاران شرکت پل نیک پندار در حال تصفیه (سهامی خاص) بشماره ثبت ۱۰۰۵۴۵ و شناسه ملی ۱۰۱۰۱۴۴۵۱۹۸ که آگهی انحلال آن در صفحه ۶۱ روزنامه رسمی کشور به شماره ۲۲۶۰۸ مورخ ۱۴۰۱/۸/۱۰ درج گردیده است دعوت به عمل می آید تاظرف مدت حداکثر ۶ ماه از تاریخ انتشار آگهی نوبت اول با ارائه مدارک مثبته ادعای خود به مدیرتصفیه آقای علی با تربیت بیرک علیا با کدملی ۰۸۷۱۵۹۶۸۱۴ بشماره همراه ۰۹۳۹۹۶۳۱۷۱۷ مستقر در آدرس استان تهران ـ شهرستان تهران ـ بخش مرکزی ـ شهر تهران ـ آذربایجان ـ خیابان شهید مهدی حاج ملاعلی ـ خیابان گلشن ـ پلاک ۲۸ ـ طبقه اول ـ واحد شمالی کدپستی: ۱۳۱۸۶۱۷۳۴۶ مراجعه نماید بدیهی است شرکت و مدیرتصفیه در مورد هرگونه ادعای احتمالی که خارج از مدت فوق به شرکت منعکس گردد مسئولیتی نخواهد داشت.

مدیرتصفیه شرکت پل نیک پندار (سهامی خاص)
در حال تصفیه علی با تربیت بیرک علیا

آگهی تحدید حدود اختصاصی

حوزه ثبتی شهرستان کاشمر

پیرو آگهی تحدید حدود قبلی که بموجب مقررات ماده ۱۴ قانون ثبت منتشر گردیده اینک بر حسب درخواست واصله مستند به ماده مذکور و ماده ۶۱ آئین قانون ثبت تحدید حدود یکقسمت از املاک واقع در بخش کاشمر حوزه ثبتی این واحد بشرح زیر: ششدانگ یک دربند مغازه پلاک صفر فرعی از ۲۴۷۴_ اصلی بخش شهر کاشمر متعلق به حسین محمدزاده مرندیز در مورخ دوشنبه ۱۴۰۲/۰۲/۱۱ ساعت ۹ صبح تحدید حدود انجام خواهد شد . لذا بموجب ماده ۱۴ قانون ثبت املاک به صاحبان املاک و مجاورین شماره های فوق الذکر بوسیله این آگهی اخطار می گردد که در روز و ساعت مقرر بالا در محل حضور بهم رسانند. چنانچه هر یک از صاحبان املاک یا نماینده قانونی آنها در موقع مقرر حاضر نباشند مطابق ماده ۱۵ قانون مزبور ملک مورد آگهی با حدود اظهار شده از طرف مجاورین تحدید خواهد شد و اعتراضات مجاورین نسبت به حدود و حقوق ارتفاقی و نیز صاحبان املاک که در موقع مقرر حاضر نبوده اند مطابق ماده ۲۰ قانون ثبت فقط تا سی روز از تاریخ تحدید حدود پذیرفته خواهد شد و در اجرای تبصره ۲ ماده واحده قانون تعیین تکلیف پرونده های معترض ثبتی، معترضین می بایست از تاریخ تسلیم اعتراض به اداره ثبت ظرف یک ماه دادخواست اعتراض خود را به مرجع ذیصلاح قضایی تقدیم و گواهی لازم از مرجع مذکور اخذ و به این اداره تسلیم نمایند. م_الف ۹ تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۱/۲۰

احمد جهانگیر_ رئیس ثبت اسناد و املاک کاشمر

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۲۶۰۳۰۶۰۱۲۰۰۰۲۱۹ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کاشمر تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای محمد هنرور حاجی آبادی فرزند محمدعلی بشماره شناسنامه ۴۵۰۱ کد ملی ۰۹۴۵۷۷۹۸۵۲ صادره از مشهد در یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۳۱۶۸.۸۴ متر مربع پلاک ۸۲ اصلی واقع در خراسان رضوی بخش ۲ حوزه ثبت ملک کاشمر خریداری از مالک رسمی آقای حسین دقیق محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی میشود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. م_الف ۴

تاریخ انتشار نوبت اول : ۱۴۰۲/۱/۲۰
تاریخ انتشار نوبت دوم : ۱۴۰۲/۲/۰۴

احمد جهانگیر_ رئیس ثبت اسناد و املاک کاشمر

«آگهی احراز تصرفات؛ موضوع ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی و ماده ۱۳ آئین‌نامه اجرائی آن مصوب ۱۳۹۰/۰۹/۲۰»

نظر به اینکه به استناد رأی شماره ۱۴۰۱۶۰۳۰۱۰۲۶۰۰۱۱۱۱ مورخ ۱۴۰۱/۱۱/۱۰ موضوع پرونده کلاسه شماره ۱۳۹۹۱۱۴۴۰۱۰۲۶۰۰۰۰۱۲ هیئت رسیدگی‌کننده قانون صدرالذکر مستقر در اداره ثبت اسناد و املاک قلهک تهران، تصرفات بلامنازع آقای محمد کلیمی داودلی به شناسنامه ۱۳۱۱۸ کدملی ۰۴۵۳۷۲۸۷۳۱ صادره از تهران فرزند غلامرضا در قسمتی از ششدانگ در یک قطعه زمین با بنای احداثی در آن به مساحت ۵۹/۴۸ مترمربع در قسمتی از پلاک شماره ۵۰ فرعی از ۴۳ اصلی واقع در بخش ۱۱ تهران که برای تصرفات نامبرده پلاک فرعی ۱۴۵۶۶ فرعی از ۴۳ اصلی لحاظ گردید.

لذا به استناد ماده ۳ قانون مذکور مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی تا چنانچه شخص و یا اشخاص اعم از حقیقی یا حقوقی نسبت به موضوع صدور سند بنام متقاضی مذکور هرگونه اعتراضی دارند ظرف مهلت دو ماه از تاریخ انتشار اولین آگهی، به این اداره مراجعه و ضمن اعلام اعتراض و اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به دادگاه عمومی محل وقوع ملک تقدیم نموده و گواهی مربوطه را از دادگاه اخذ و به این اداره تحویل نماید، در غیراینصورت پس از سپری شدن مهلت مقرر، سند مالکیت وفق مقررات صادر خواهد گردید. م الف ۱۶۴۱۶

مهدی شعبانی ـ رئیس واحد ثبتی حوزه ثبت ملک قلهک تهران
از طرف مهدی قنبری مطلق

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رأی شماره ۱۴۰۱۶۰۳۰۱۰۴۵۰۰۱۲۰۷ مورخه ۱۴۰۱/۱۲/۲۳ هیأت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک رودکی تهران تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای علی تقی‌خانی فرزند عباسعلی بشماره شناسنامه ۱۶۵۱۶ صادره از تهران در ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی در آن به مساحت ۵۲/۸۸ مترمربع پلاک ۱۵۴۵۷۵ فرعی از ۲۳۹۵ اصلی واقع در بخش ۱۰ مفروز و مجزا شده از ۲۳۹۵ اصلی مذکور خریداری از مالک رسمی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. م الف ۱۶۶۵۲

تاریخ انتشار نوبت اول: یکشنبه ۱۴۰۲/۰۱/۲۰
تاریخ انتشار نوبت دوم: دوشنبه ۱۴۰۲/۰۲/۰۴

سیدهادی جلالی امام
رئیس ثبت اسناد و املاک رودکی تهران

آگهی فقدان سند مالکیت المثنی پلاک ثبتی ۱۲۹۲۳۰ فرعی از ۸۸ اصلی واقع در بخش ۱۱ حوزه ثبتی تهرانپارس

وکالتاً آقای علیرضا اصغری بموجب وکالتنامه شماره ۲۵۳۰۲ مورخ ۱۴۰۱/۱۲/۲۷ دفترخانه ۵۰۷ تهران به وکالت از خانم کیمیا محسن‌زاده با اعلام مفقود شدن سند مالکیت ملک مورد آگهی با تسلیم استشهادیه گواهی امضاء شده ذیل شماره ۱۸۷ مورخ ۱۴۰۱/۱۲/۲۷ دفترخانه اسناد رسمی شماره ۹۱۴ تهران طی درخواست وارده ۶۲۸۰۹ مورخ ۱۴۰۱/۱۲/۲۷ تقاضای صدور المثنی سند مالکیت ملک مذکور را نموده که مراتب در اجرای ماده ۱۲۰ آیین‌نامه قانون ثبت به شرح زیر آگهی می‌گردد: سند مالکیت شش‌دانگ یک دستگاه آپارتمان مسکونی قطعه اول تفکیکی مفروز و مجزی شده از شماره ۱۲۷۰ فرعی از ۸۸ اصلی، به مساحت (۸۷/۴۷) هشتاد و هفت متر و چهل و هفت دسیمترمربع، واقع در سمت شمالی طبقه اول که (۲/۰۵) دو متر و پنج دسیمترمربع آن بالکن، است. بانضمام انباری مسکونی قطعه اول تفکیکی، به مساحت (۲/۵۸) دو متر و پنجاه و هشت دسیمترمربع، واقع در سمت شمال غربی زیرزمین اول و بانضمام پارکینگ مسکونی قطعه اول تفکیکی، به مساحت (۱۱/۲۵) یازده متر و بیست و پنج دسیمترمربع، واقع در سمت شمالی همکف ذیل ثبت دفتر الکترونیکی ۱۴۰۰۲۰۳۰۱۰۷۹۰۲۹۹۲۳ بموجب سند انتقال ۵۶۵۲۱ مورخ ۱۴۰۰/۱۱/۱۸ دفترخانه ۱۰۶۵ تهران به شماره چاپی ۰۶۸۰۳۷ بنام خانم کیمیا محسن‌زاده ثبت و صادر گردید. در رهن و بازداشت نمی‌باشد لذا با توجه به اعلام فقدان سند مالکیت ملک فوق‌الذکر و درخواست صدور سند مالکیت المثنی آن مراتب اعلام تا هرکس نسبت به ملک مورد آگهی معامله کرده که در قسمت چهارم این آگهی ذکر نشده یا مدعی وجود آن نزد خود می‌باشد باید ظرف ده روز پس از انتشار آگهی به ثبت محل مراجعه و اعتراض خود را ضمن ارایه اصل سند مالکیت یا سند معامله تسلیم نماید و اگر ظرف مهلت مقرر اعتراض نرسد و یا در صورت اعتراض اصل سند مالکیت یا سند معامله ارایه نشود اداره ثبت اسناد و املاک، المثنی سند مالکیت را طبق مقررات صادر و به متقاضی تسلیم خواهد کرد. م الف ۱۰۰۱۱

رضا النچری ـ رئیس واحد ثبتی حوزه ثبت ملک تهرانپارس

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رأی شماره ۱۴۰۱۶۰۳۰۱۰۷۸۰۰۲۹۶۴ مورخ ۱۴۰۱/۱۱/۱۶ هیأت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک یافت‌آباد تهران تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای صاحبعلی باقری فرزند ایمان‌ویردی بشماره شناسنامه ۱۰۱۷ صادره از میانه در ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی در آن به مساحت ۱۵۷/۸۰ مترمربع در قسمتی از پلاک ۱۳۸۴۱ فرعی از ۲ اصلی مفروز و مجزی شده از پلاک ۴۲۸ فرعی از ۲ اصلی واقع در بخش ۱۲ تهران خریداری از مالک رسمی آقای حسن میرزائی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. م الف ۱۰۰۱۴

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۲/۰۱/۲۰
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۲/۰۲/۰۴

خداداد بشیری ـ رئیس ثبت اسناد و املاک یافت‌آباد تهران